



شیخ تقرب

درنگی در زندگی و خدمات علمی
آیت الله استاد محمد واعظ زاده خراسانی
(۱۳۹۵-۱۳۰۴)



دکتر امیر سلمانی رحیمی

۱۳۹۶

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
شیخ تقرب : درنگی در زندگی و خدمات علمی آیت الله
استاد محمد واعظ زاده خراسانی / امیر سلمانی رحیمی.
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
یادداشت
موضوع
موضوع
عنوان
موضوع
شناسه ورود
رده
رده کنگره
شماره کتابشناسی ملی

سلمان رحیمی، امیر، ۱۳۴۲ -
۶۴ ص.
978-600-06-0174-4
کتابنامه.
واعظ زاده خراسانی، محمد، ۱۳۰۴-۱۳۸۵.
مجتهدان و علما -- ایران -- سرگذشته.
وحدت اسلامی.
تقریب مذاهب.
یاد پژوهشهای اسلامی.
۲۹۷ / ۲۳۴
س ۱۳۹۰ و ۵ / ۱۵۳ BP
۲۲، ۱۷۷



شیخ تقرب

درنگی در زندگی و خدمات علمی آیت الله استاد محمد واعظ زاده خراسانی

دکتر امیر سلمانی رحیمی

ویراسته محمد رضا نجفی

چاپ اول: ۱۳۹۶ / ۵۰۰ نسخه، رقعی / قیمت ۲۵۰۰۰ ریال

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: صندوق پستی ۳۶۶-۹۱۷۳۵

تلفن و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهشهای اسلامی: ۰۳-۳۲۲۳۰۸۰۳

فروشگاه‌های کتاب بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: ۳۲۲۳۹۲۳، قم: ۳۷۷۳۳۰۲۹

www.islamic-rf.ir

info@islamic-rf.ir

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

۵..... سخن نادر.....

۹..... پیشگفتار.....

۱۷..... گفتار نخست: در بند زندگی.....

۱۸..... پدر و اعظم.....

۱۹..... در آغوش گرم حوزه مشهد، نجف و قم.....

۲۲..... ازدواج و فرزندان.....

۲۳..... پای درس بزرگان.....

۲۴..... واپسین روزها.....

۲۷..... پیام‌ها.....

۳۱..... گفتار دوم: خدمات علمی.....

۳۲..... اندیشه‌ای بارور.....

۳۳..... تربیت سه نسل.....

۳۴..... هزاره شیخ طوسی.....

۳۶..... مجمع جهانی تقریب.....

دانشگاه مذاهب اسلامی ۳۹

وقف کتابخانه شخصی ۴۰

آثار و تألیفات ۴۵

پوست ها ۵۱

اجازات ۵۱

نمونه هایی از دستخط ۵۷

تصاویر ۶۱



«خبر درگذشت عالم وارسته، فقیه والامقام و مفسر عظیم الشان قرآن کریم حضرت آیت الله حاج شیخ محمد واعظ زاده خراسانی رحمته موجب تألم و تأثر گردید... بی شک حوزه های علمیه و شخصیت های علمی و انقلابی قدردان زحمات آن عالم بزرگ خستگی ناپذیر خواهند بود... خدمات ایشان در آستان قدس رضوی با عضویت در شورای عالی فرهنگی این آستان و مسئولیت ایشان در بورد پژهشهای اسلامی و دانشگاه علوم اسلامی رضوی، برگ زرینی از خدمات خالصانه این عالم بزرگوار به بارگاه منور رضوی می باشد».

بخش انبیاء تسلیت آیت الله سید ابراهیم رئیسی تولیت عظمای آستان قدس رضوی

سخن ناشر

اکنون ۳۳ سال است که از غروب نهال بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی می گذرد؛ بنیادی که در اندیشه ای بلند برای تولید و نشر علوم و معارف اسلام، تجلی یافت. در قرآن و سنت و سیره معصومان علیهم السلام شکل گرفت.

همه از پیشنهاد دهندگان تا تولیت فقید آستان قدس رضوی مرحوم آیت الله عباس واعظ طبسی، به عنوان بنیان گذار این نهاد پژوهشی، بنیاد را مهم ترین مرکز علمی در شرق ایران، به ویژه آستان پهناور و تاریخ ساز خراسان، حامی و مأمن برای خیل پر شمار فرهیختگان حوزه و دانشگاه می شناختند؛ و هیچ یک از این

نیک‌اندیشان، غافل از نقش مرحوم آیت‌الله استاد محمد واعظ زاده خراسانی در به بارنشستن این درخت معرفت و معنویت نبوده‌اند.

از همین رو، آن مرحوم پیوسته به عنوان عضویا رئیس هیئت مدیره و یا مدیر گروه پژوهشی قرآن، طرف مشورت و صاحب رأی بود؛ همان‌که از نخستین طرح‌هایی که برای پژوهش در دستور کار قرار گرفت بدین کتاب گران سنگ *المعجم فی فقه لغة القرآن و سیر بلاغته* بنیاد آن مدیریت ایشان بوده است.

بدون تردید، این کتاب که تاکنون ۳۴ جلد آن با افزون بر ۳۰.۰۰۰ صفحه با تلاش پیوسته یک گروه پژوهشی زیر نظر مستقیم آن مرحوم به زیور طبع آراسته شده و انتشار یافته با همین سبک تکمیل خواهد شد، یکی از مهم‌ترین آثاری است که بنیاد پژوهش‌های اسلامی در محافل علمی بسیاری در داخل و خارج کشور به آن شناخته می‌شود.

البته حضرت استاد رحمته‌الله در بنیاد پژوهش‌ها تنها به مدیریت کلان طرح پژوهشی *المعجم* شناخته نمی‌شود، آثار به ساه رسیده‌ای چون: *نصوص فی علوم القرآن* (۱۰ جلد تاکنون)، *نصوص الاقتصاد الاسلامی* (دوره ۱۶ جلدی)، *المنهج الموضوعی لشرح ابن ابی الحدید* (۲ جلد تاکنون)، *امام خمینی و انقلاب اسلامی*، *حدیث ثقلین*، *سال امام خمینی*، *میراث ماندگار* (۲ جلد) و... در کنار

حضور، ارائه مقاله و ایراد سخنرانی و مدیریت علمی در ده‌ها همایش ملی و بین‌المللی، از خدمات علمی وی به این مرکز به شمار می‌آید. بنیاد پژوهشهای اسلامی، به عنوان جایگاه اعتکاف علمی استاد، در افزون بر ربع قرن افتخار داشته است. نشردهنده آثار قلمی ایشان، و ویژه در حوزه معارف و علوم قرآنی باشد، چنان‌که از وجود و حضور تربیت‌شدگان مکتب قرآن پژوهی آن فقید سعید بهره‌مند است.

کوشش نویسنده برای عرضه کتابی مستقل در معرفی قرآن پژوه معاصرو شیخ تقریباً، با ویرد شناساندن این چهره ماندگار به دانشجویان، طلاب و فضایی حوزه و دانشگاه ارج می‌نهم. در پایان، فقدان این عالم ربانی و فقیه و قرآن پژوه صمدانی را به همه فرزندان، شاگردان، همکاران و استادان اندیشه‌های روشن‌بینانه و نیک‌مآل وی تسلیت می‌گوییم. روحش شاد و اندیشه تابناکش پررهور باد.

بنیاد پژوهشهای اسلامی
آستان قدس رضوی

آذر ۱۳۹۶

پیشگفتار

... و چه بود که این مهتر نیافت از دولت و نعمت و جاه و منزلت و خرد و روشن‌رایی و علم؟ ... اما به حقیقت بیاید دانست که حُتْمَتِ الْکِفَايَةِ وَالْبَلَاغَةُ وَالْعَقْلُ بِهِ؛ و او اولی‌سرای است بدانچه گفته‌اند ... واجب داشتم بعضی را از محاسن و معالی وی که مرا مأزر داشت باز نمودن و آن را تقریر کردن، و ازدو یکی نتوانستم نمود، تا یک حق را از حق‌ها که در گردن من است بگذارم ... و پس از مرگ وی هرگز نبود که من از آن سخنان بزرگ بامیزی وی اندیشه کردم ... و به هیچ وقت نبوده است که بر درِ سرای او گذشتم که این دو بیت نخواندم ...

أَيُّهَا الْبَابُ لِمَ عَلَكَ اكِتَابُ أَيْنَ ذَاكَ الْحُجَابُ فِي الْحُجَابِ
أَيْنَ مَنْ كَانَ يَفْزَعُ الدَّهْرُ مِنْهُ فَهُوَ الْآنَ فِي الثَّرَابِ اكِتَابُ^۱

سال ۱۳۶۵ بود که برای نخستین بار چهره باوقار استوار را می‌دیدم و سخن دلنشین و صد البته استوار، و به تعبیر برخی، خشک و یکنواختش را می‌شنیدم. عنوان درس، قرائت متون عقلی بود و من

۱. تاریخ بیهقی، فصل در رثای بوئصر مشکان.

دانشجوی کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، از دانشکده‌های پرسابقه و صاحب نام دانشگاه فردوسی مشهد.

کمتر فرصتی پیش می‌آمد در کلاس، سخنی غیردرسی به میان آید که به احتمال، اقتضای درس و متنی چون *بدایة الحکمه* بود. تنها شرحی که از آن درس به یاد دارم پاسخ استاد به پرسش و شاید هم اشاره فاضل یکی از دانشجویان بود که ایشان در پاسخ فرمود: رابطه آنچه می‌گوییم با آنچه می‌گویم، مثل رابطه ماست و دروازه است!

بار اولی بود که چنین تفسیری را می‌شنیدیم. استاد به صرافت دریافت و بی‌درنگ افزود: البته هر دو را می‌بندند!

مختصری با نگاه به هم، لبخند زدیم تا هم بگوییم از تلطیف فضای کلاس خوشحال شده‌ایم و هم اینکه فضای سخن استاد را فهمیده‌ایم.

سال ۱۳۸۰ شد و دست توفیق، افتخار همکاری با بنیاد پژوهش‌های اسلامی را نصیب کرد. بارها نام استاد را با همین تعبیر «استاد» می‌شنیدم. کم کم به هیئت مدیره بنیاد دعوت شدم و دیگر بار همان چهره را با همان متانت دیدم. طی چند سال اخیر به علت مسئولیت معاونت پژوهشی که بر عهده‌ام نهاده شده بود،

افزون بر ارتباط نزدیک با ایشان در جلسات هیئت مدیره بنیاد، هیئت تحریریه مجله مشکوة و گفت و گوهای مکرر برای برگزاری نشست های مختلف، در بیشتر روزها دست کم نیم ساعتی را با ایشان بودم.

از حسن اقبال، بنده و استاد در یک مسیر بودیم و همین امر موجب شده بود تا تقریباً هر روز، در فاصله میان منزل ایشان تا محل بنیاد و باله کس با هم باشیم. می کوشیدم برای بهره مندی از این فرصت، پیوسته پرسش های را آماده کنم تا از ایشان پرسم و اجازه ندهم این زمان طلایی بیهود سپری شود.

بی تردید، این چهره گشاده رفتار کرد، آنه ایشان بود که به چون منی جرئت می داد گفت و گوها را پس از رسدن به مقصد نیز ادامه دهم.

خاطراتی از شخصیت های مختلف دینی و سیاسی، سفرهای بسیار به افزون بر پنجاه کشور در سراسر دنیا، موضوعات مهم قریب، نکته ها و دیدگاه های خاص تفسیری، مناسبت هایی که پیش می آمد و درگذشت افراد صاحب نام که با آنان سابقه ای داشت، با دقتی تام در ذکر تاریخ و مکان و ...، مهم ترین محورهای این گفت و گوهای روزانه بود.

می فرمود ما در روزگاری پرحادثه و در یکی از نقطه های عطف

تاریخ به سر می بریم؛ از جمله، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است که بیش از هفتاد سال بذراندیشه‌ای الحادی را در پهنه‌ای از جغرافیای جهان معاصر افشاند، یا پیروزی امام خمینی علیه السلام با دست خالی و با شعار احیای اسلام، بر رژیم قدرتمند پهلوی و شکل‌گیری انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران، که آن را جزیرهٔ ثبات و حیاط خلوت امریکا را انگلیس می‌دانستند.

می‌فرمود این سال‌ها و روزها بسیار درخور تأمل و نیازمند کالبد شکافی، مطالعه، جنبه و ثبت دقیق است. براین باور بود که ضامن استمرار این حرکت و گسترش اسلام، توجه به مسئله وحدت اسلامی و پرهیز جدی از هرگز اختلاف‌افکنی و تنگ‌نظری است.

برایم شگفت می‌نمود که در کنر بحث‌های فقهی، تفسیری، تاریخی، رجالی، سیاسی، تقریبی و مانند آن، از مطالعه‌ای مشترک با کمک یکی از فرزندان‌شان برای پیوستن به راهی خزر و عمان به یکدیگر سخن می‌گفت. کارشناسانه اظهار نظر می‌کرد و دربارهٔ ممکن بودن اجرای این طرح ملی، عمرانی و دشواری‌های پیش‌کش آن در آبادانی بخش وسیعی از کشور، گفتنی‌ها داشت. می‌فرمود هنوز نقشه‌ای را که برای مطالعه و دستیابی به بهترین مسیر عبور این کانال مصنوعی تهیه کرده بودند، در اختیار دارد.

آیت‌الله در میان همهٔ این هنرها، بیشتر دل‌داده و باورمند عرصهٔ

تقریب مذاهب اسلامی بود. هرگز به این موضوع به دیده برنامه‌ای نمایشی نمی‌نگریست. به خوبی پیشینه، شخصیت‌های اثرگذار، اندیشه‌ها و برنامه‌های این مسئله را می‌شناخت که در جای خود به آن اشاره خواهد شد. در نظر این کمترین، چنین نگاه عمیقی به وحدت اسلامی بود که هدف‌های پژوهشی را برایش تعیین و تبیین می‌نمود. تلاش استودنی و گسترده‌ی وی در حوزه قرآن و علوم قرآنی در همین راستا قابل ارزیابی است. باید ثابت می‌کرد و نشان می‌داد که شیعه، برخلاف بی‌باغ‌انگاردۀ وهابیت، به اعتبار قرآنی جز قرآنی که در دسترس همه مسلمانان است، قائل نیست.

مجاهدت استاد در این راستا مرا ابتدا آبرو و جان شیرین پیش رفته بود. یکی از روزهای پاییز سال ۱۳۸۱ بود. به دلیل حجم کارها، پس از خروج همه همکاران و پژوهشگران، به جلو در بنیاد رسیده بودم. نگهبان مانع ورود شخصی که در کسوت روحانیت بود می‌شد؛ اما ظاهراً کارساز نبود و فرد مورد نظر با حالتی ته‌اجری روبروخته قصد ورود به داخل ساختمان داشت. نگهبان با دیدن من عوشت حائل شد، با استمداد گفت: هرچه می‌گویم استاد رفته و بنیاد تعطیل است، کارساز نیست!

سعی کردم با لحنی آرام، جلو پر خاشگری و هتاک‌اش را بگیرم و بپرسم چرا تا این اندازه می‌خواهد استاد را ببیند و به تعبیر خودش،

حق اهل بیت را از او بگیرد! معتقد بود بنیاد پژوهشها هم بی تقصیر نیست و پس از استاد، قطعاً به سراغ بنیاد هم خواهد آمد. در نهایت و با معرفی خود به عنوان معاون پژوهشی بنیاد خواستم از بنیاد شروع کند، ضمن آنکه حاضر نبودم تا مقصود خود را روشن نکند، نشانی منزل استاد یا زمان حضور ایشان در بنیاد را در اختیارش بگذارم.

نهایت آنکه، شنیده بود - نه اینکه خود خوانده باشد! - استاد در کتابی که بنیاد ناشر آن است از خلفا تمجید کرده و آن‌ها را خادم اسلام خوانده است! این سخن مایه آزرده‌خاطری اهل بیت شده و او و همفکرانش تصمیم گرفته‌اند با انتقام از استاد، دل حضرت صاحب الامر را شاد کنند!!

به وی گفتم: اولاً آنچه ایشان می‌گویند در مقاله‌ای است که گزارش یکی از سفرهای استاد به ترکیه است و بنیاد ناشر آن نشریه نیست. ثانیاً، ایشان در آنجا از آثار اسلامی ایران که از عثمانی‌ها به جا مانده یاد کرده و اظهار می‌دارد که نباید در قضاوت علیه خاندان‌های حکومت‌گرد در تاریخ اسلام، خدمات و اوقات آنان در معرفی اسلام و قرآن نادیده انگاشته شود و

به هر حال، مهاجم با بیان اینکه نمی‌تواند تا فردا صبر کند و باید عصر همان روز به شهرش بازگردد، با حسرت و تأسف از اینکه نتوانسته حق واعظ‌زاده! را کف دستش بگذارد، از بنیاد بیرون رفت.

خدا را شکر کردم که استاد در بنیاد نبود و گرنه نمی شد پیش بینی کرد که چه اتفاقی در شرف تکوین بود.

فرجام سخن اینکه، این کمترین روانی بیند خود را شاگرد استادی فرزانه و مجتهدی نواندیش و درد آشنا و مورخی آشنا به زوایای پنهان تاریخ سراسر التهاب اسلام عزیز و قرآن پژوهی نوآور و جهان دیده ای دا سوز و درس آموخته ای از نسل عالمان مجاهد و بی ادعا بدانند؛ بلکه خود را دوستدار و طرفدار اندیشه های زلال و خیر خواهانه او می دانم و همین جرئتم بخشیده تا دست به قلم برده، برای سومین بار از این چهره ماندگار بنویسم.

«شیخ تقریب» عنوانی شناخته شده برای آن مرحوم در جهان اسلام و نزد عالمانی برجسته و عمدتاً آراذه و نیک اندیش است. ابعاد گونه گون و خوشرنگ این شخصیت بزرگ در این الملل اسلامی، بسیار بیشتر از آن است که در این صفحات اندک بگنجد، اما قرار گرفتن در آستانه یکمین سالگرد درگذشت ایشان را اساس وظیفه موجب شد تا اثری با رویکرد معرفی این فرزانه پرپیشه به طلاب و دانشجویان به رشته تحریر درآید و با تکیه بر تجربه ای شخصی و منابعی محدود، و به عنوان مقدمه ای بر کاری شایسته و فاخر، عرضه شود.

با فروتنی تمام از شماری از فرهیختگان که با بازخوانی و

پیشنهادهای ارزنده‌شان این کمترین را یاری رساندند و نیز دوست و همکار ارجمندم آقای علی برهانی که کار حرفه‌نگاری و صفحه‌آرایی این اثر را برعهده داشته است، سپاسگزارم. همچنین از همه ارادتمندان، شاگردان و فرزندان این شخصیت ممتاز پوزش خواسته، استدعا دارم کاستی‌ها را گوشزد کنند و دست استمدادم را بازنگردانند.

خداوند تعالی او را در بحبوحه بهشت رضوانش جای دهد. روانش شاد گردد و رحمت پروردگار و اندیشه‌اش بیش از پیش برثمر باد.

دکتر امیر سلمانی رحیمی

۱۷ آبان ۱۳۹۶ / ۱۹ صفر ۱۴۳۹